

سنجش و ارزشیابی

سمیه رزبان

دانشجوی دکتری تکنولوژی آموزشی

یحیی تلخابی

آموزگار شهر فراهان

ارزیابی ارزشیابی توصیفی

اشاره

ارزشیابی در فرایند آموزش مانند آهن‌ریا عمل می‌کند. یعنی همه اجزای آموزش را به سمت خود جذب می‌کند و آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مدرسه‌ها به شواهدی برای سنجش دانش‌آموزان نیاز دارند و خانواده‌ها برای انتخاب مدرسه از نتایج ارزشیابی‌ها استفاده می‌کنند. معلمان حاصل تلاش خود را با نتایج ارزشیابی محک می‌زنند، و از همه مهم‌تر دانش‌آموزان با استناد به نتایج ارزشیابی‌ها، آموخته‌ها و توانایی‌های خود را می‌سنجند و به همین شیوه رتبه‌بندی می‌شوند. با عنایت به اهمیت این عنصر در فرایند یادگیری، بازبینی مستمر شیوه‌های اجرا شده در این زمینه و ارتقای سطح دانش معلمان و سایر متصدیان تعلیم و تربیت ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. در این مقاله چستی و جرایب ارزشیابی توصیفی و چالش‌های اجرای این شیوه در عمل بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: سنجش، ارزشیابی، ارزشیابی توصیفی

ویژگی‌های شاخص ارزشیابی توصیفی

شاید بتوان گفت مهم‌ترین ویژگی ارزشیابی توصیفی، فرایندمحور بودن و جهت‌گیری اصلاحی آن است که در زمان مناسب به معلم و دانش‌آموز این فرصت را می‌دهد تا تغییرات مطلوب را در روند فعالیت‌های خود ایجاد کنند و در راستای تحقق بهتر اهداف و انتظارات آموزشی گام بردارند. در این شیوه، دیگر ارزشیابی بخش جداگانه و پایانی آموزش نیست، بلکه بخشی جدایی‌ناپذیر از فرایند یادگیری و در لحظه‌لحظه آن حاضر است.

ارزشیابی توصیفی، برخلاف شیوه‌های ارزشیابی سنتی، دانش‌آموزان را به تفکر و ابتکار وا می‌دارد. در ارزشیابی سنتی یادگیری مطالب بدون تفکر و توجه به معنای آن‌هاست. دانش‌آموزان به گونه‌ای تربیت می‌شوند که بدون توجه به چگونگی ارتباط مطالب، برای به‌دست آوردن نمره خوب، آن‌ها را می‌آموزند. شیوه‌های ارزشیابی کمی و

تک‌بعدی با ساختار انعطاف‌ناپذیر و محدودیت‌های زیادی که دارند، بر انتقال معلومات و محفوظات تأکید دارند و امکان هرگونه رشد فکری، ابتکار و اکتشاف را از یادگیرنده سلب می‌کنند. چنانکه دانش‌آموز نمی‌تواند بین آموخته‌هایش و مسائل بیرونی ارتباط برقرار کند. اما در ارزشیابی توصیفی تلاش می‌شود این ضعف برطرف شود. یکی از اصول حاکم بر این شیوه، تأکید بر روش حل مسئله و توجه به تفاوت‌های فردی است.

از دیگر اهداف ارزشمند ارزشیابی توصیفی، تأکید بر «همکاری» به جای «رقابت» است. تمرکز بر نمره و ایجاد حس رقابت سبب می‌شود دانش‌آموزان از سنین پایین مقایسه کردن خود با دیگران را بیاموزند و از آنجا که در این رقابت‌ها فقط بر یک جنبه تمرکز می‌شود، بسیاری از شایستگی‌های آن‌ها برای همیشه دفن می‌شوند. در ارزشیابی توصیفی، برخلاف شیوه‌های سنتی پیشین، تنها بر یک سنجه تأکید نمی‌شود و تلاش می‌شود به‌جای تأکید بر رقابت و رشد تک‌بعدی، همکاری و نگاهی همه‌جانبه به توانایی‌های دانش‌آموز ترویج شود. در این شیوه تنها خطاهای دانش‌آموز را نمی‌شماریم، بلکه یادگیری را چندبعدی مدنظر قرار می‌دهیم و فضایی امن برای همکاری به‌وجود می‌آوریم.

دستیابی به اهداف ارزشیابی توصیفی که از آن‌ها یاد شد، نیازمند اجرای دقیق و صحیح این شیوه در کلاس‌های درس است، اما اجرای این سیاست با دست‌اندازها و چالش‌هایی نیز روبه‌روست که در ادامه اشاره‌ای به آن‌ها خواهیم کرد.

تنوع ابزارهای سنجش در ارزشیابی توصیفی

ارزشیابی دقیق و همه‌جانبه یادگیرندگان نیز فقط در سایه استفاده از ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات متنوع ممکن می‌شود. بنابراین، در این شیوه، علاوه بر آزمون‌های مداد کاغذی، از ابزارهای دیگری چون پوشه کار، ابزارهای ثبت مشاهده، تکالیف درسی، آزمون‌های عملکردی و خودسنجی نیز استفاده می‌شود. این ابزارها اطلاعات بیشتر و گسترده‌تری را فراهم می‌کنند و در نتیجه اعتبار اطلاعات به سبب تنوع در ابزارها افزایش می‌یابد و در نتیجه قضاوت و داوری معلم واقعی‌تر و منصفانه‌تر می‌شود.

برای مثال، فرض کنید هدفمان آن است که دانش‌آموز با مفهوم چوب‌خط آشنا شود و بتواند چوب‌خط‌های پنج‌تایی را با خلال دندان درست کند. برای ارزشیابی این هدف یادگیری می‌توان از چندین ابزار استفاده کرد. مثلاً یک آزمون عملکردی و خودسنجی مانند نمونه زیر را در نظر گرفت و سپس فعالیت دانش‌آموز و بازخورد توصیفی آن را در پوشه کار قرار داد:

– سارا می‌خواهد به کمک خلال دندان چوب‌خط‌های پنج‌تایی درست کند، آیا می‌توانی به او کمک کنی؟

– پیشنهاد دیگری هم داری که مانند کار سارا باشد؟ آن را انجام بده. برای انجام این آزمون عملکردی باید خلال دندان و چسب نیز در

اختیار دانش‌آموزان قرار گیرد. سپس براساس یک راهنمای توصیف عملکرد، ارزشیابی انجام شود:

ملاک و سطح عملکرد			
*	**	***	
			با استفاده از خلال دندان چوب‌خط پنج‌تایی درست کرده است.
			در کارش سرعت عمل دارد.
			بعد از انجام کار وسایل خود را مرتب کرده است.
			پیشنهاد‌های درست دیگری برای سارا ارائه داده است.

سپس برای خودسنجی می‌توان از سؤالاتی ساده، پس از انجام فعالیت، استفاده کرد. مثلاً از دانش‌آموز خواست به میزان رضایت از خودش در انجام فعالیت، بین یک تا پنج گل یا ستاره بکشد و آن‌ها را رنگ کند. یا با رنگ کردن یکی از شکلک‌های نشان دهد از عملکرد خودش چه میزان رضایت دارد.

برای دانش‌آموزان دوره‌های بالاتر، خودسنجی می‌تواند با ارائه یک یا دو سؤال تحلیلی و بازپاسخ بعد از فعالیت انجام شود. برای مثال می‌توان از دانش‌آموزان پرسید:

– از این درس چه چیز جدیدی یاد گرفتی؟

– برای اینکه بهتر یاد بگیری باید چه کارهایی انجام دهی؟

– از کار خود رضایت داشتی؟ چرا؟

– برای پاسخ به سؤالاتی که نمی‌توانی به آن‌ها پاسخ دهی باید...

– این آزمون برایت ...

– آنچه در این درس و آزمون باید بیشتر بیاموزی و تلاش کنی ...

آنچه در ارزشیابی توصیفی بر آن تأکید می‌شود، ارائه بازخوردهای توصیفی است. دانش‌آموز باید به‌طور شفاف بداند هدف از یادگیری چیست و تا چه اندازه با این هدف فاصله دارد و با چه روشی می‌تواند فاصله عملکرد خود را با وضعیت مطلوب کم یا رفع کند.

از دیگر ابزارهای کارآمد شیوه ارزشیابی توصیفی، استفاده از «پوشه کار» است که در آن همه فعالیت‌ها و شواهد دانش‌آموزان ثبت می‌شوند. بنابراین، در نهایت ارزشیابی‌هایی که با ابزارهای گوناگون انجام شده‌اند، (مثل نمونه ارزشیابی عملکردی و خودسنجی ذکرشده) به‌صورت منسجم در یک پوشه قرار می‌گیرند. پوشه کار نیز بستر مناسبی را برای دانش‌آموز فراهم می‌کند تا شاهد رشد و پیشرفت خود در حوزه‌های گوناگون باشد و خودسنجی را تمرین کند. همچنین، به معلم کمک می‌کند نگاهی همه‌جانبه به رشد دانش‌آموزان داشته باشد.

همان‌طور که در نمونه‌های ذکرشده مشهود است، استفاده از ابزارهای متعدد در ارزشیابی توصیفی به معلم کمک می‌کند اطلاعات وسیع و معتبرتری را برای تحلیل وضعیت دانش‌آموز در دست داشته باشد. از طرف دیگر، دانش‌آموز نیز می‌داند کجا ایستاده است، چه نقاط قوت و وضعی دارد و چگونه می‌تواند یادگیری خود را بهبود بخشد

چالش‌های اجرایی و راهکارها

برای پیشبرد بهتر اهداف ارزشیابی توصیفی و عبور از چالش‌های اجرایی این شیوه در عمل، مهم‌ترین راهکار، تمرکز بر ارائه آموزش‌های با کیفیت و بهینه به معلمان است. بدون درک «چرایی» و «چیزیستی» هر تغییر، عمل معلم در جریان تغییرات بدون تأمل و صرفاً برای رفع تکلیف خواهد بود. لازم است آموزش‌های ضمن خدمت اجرا شده برای معلمان در طول یک دهه اخیر نقد و بازبینی شود و آموزش‌هایی مبتنی بر نیازسنجی دقیق، توسط متخصصان و معلمان پیشرو مجدداً طراحی شود.

علاوه بر ارائه آموزش‌های اصولی به معلمان نیاز است برای زدودن فرهنگ بیست‌گرایی در جامعه نیز تلاش شود. برای این کار باید محتواهای آموزشی فراهم شوند و در فضاهای رسمی و غیررسمی به اشتراک گذاشته شوند. در این محتواها لازم است از زوایای گوناگون به آسیب‌های بیست‌گرایی و پیامدهای تجربه فضای یادگیری توأم با رقابت و اضطراب برای دانش‌آموزان پرداخته شود. لازم است این آموزش‌ها صادقانه، صمیمانه، به زبانی ساده و همراه با مستندات معتبر ارائه شوند. فراموش نکنیم، تحول بدون اقناع و همکاری همه ذی‌نفعان اتفاق نخواهد افتاد و این همکاری در سایه تحول تدریجی، همراه با تعامل ذی‌نفعان، ممکن می‌شود.

جمع‌بندی

ارزشیابی توصیفی ظرفیت‌هایی دارد که می‌تواند برای بهبود یادگیری مؤثر باشد. نباید فراموش کنیم که هر تحولی با چالش‌ها و دست‌اندازه‌های خاص خودش همراه است و با محدودیت‌ها و نواقص اجرایی روبه‌رو می‌شود. لازم است با خوش‌بینی و حمایت از این طرح ملی، برای تحقق اهداف ارزشمند آن امیدوار باشیم؛ گرچه نباید متعصبانه و چشم‌پسته طرح را دنبال کنیم، بلکه باید به‌طور تکوینی و براساس بازخوردهای مجریان و ذی‌نفعان به مهندسی تکاملی آن نیز توجه کنیم.

اجرای موفق ارزشیابی توصیفی نیازمند تغییر نگرش نسبت به یادگیری و هدف ارزشیابی است. با وجود آنکه بیش از یک دهه از اجرای ارزشیابی توصیفی در دوره ابتدایی می‌گذرد، اما همچنان بسیاری از معلمان نسبت به این نوع ارزشیابی دیدگاهی منفی یا آمیخته با شک و تردید دارند. اکثر معلمان، نگران کم‌کاری دانش‌آموزان به دلیل اطمینان از ارتقا به پایه بعدی هستند. علاوه بر این، از چالش‌های مهمی که معلمان در رابطه با ارزشیابی توصیفی با آن‌ها روبه‌رو هستند، ناآشنایی با مبانی فلسفی آن، تغییرات پی‌درپی در چگونگی اجرای ارزشیابی توصیفی و اصرار جامعه به خصوص والدین بر تبدیل کیفیت یادگیری دانش‌آموزان به کمیت است که معلمان را سردرگم کرده است.

عده‌ای از معلمان و والدین تأکید دارند که استفاده از مقیاس‌های کیفی دقت لازم را ندارد و دانش‌آموزان و والدین نمی‌توانند متوجه وضعیت دقیق پیشرفت تحصیلی شوند. این نگرانی نشان‌دهنده آن است که آن‌ها دقت را تنها در کمیت می‌بینند و نمایانگر درک نادرست از ارزشیابی توصیفی و به دنبال آن اجرای نادرست آن است؛ زیرا در ارزشیابی توصیفی بر ثبت دقیق اطلاعات مربوط به وضعیت یادگیری دانش‌آموزان و نظارت مداوم بر فرایند یادگیری تأکید می‌شود. بنابراین، به نظر می‌رسد بسیاری از معلمان با اهداف و فلسفه اصلی ارزشیابی توصیفی آشنایی لازم را ندارند و به همین سبب نسبت به آن به دیده تردید می‌نگرند.

از طرف دیگر، تأکید بر کمیت از جانب والدین نیز فشاری بر معلمان است و البته نشان‌دهنده آن است که فرهنگ بیست‌گرایی هنوز بر جامعه حاکم است. در واقع، بسیاری از والدین آسیب‌های بیست‌گرایی را بر بهداشت روانی دانش‌آموزان درک نکرده‌اند و گمان می‌کنند تأکید بر کمیت و ایجاد فضای رقابتی، یگانه راه رشد فرزندشان است.

